

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصهٔ خطابهٔ جمعه خلیفه پنجم حضرت مسیح و مهدی موعود علیه السلام

سیدنا حضرت خلیفه مسیح موعود ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاریخ ۷ دسامبر ۲۰۱۸ شمسی در لندن خطابه جمعه ایراد نمودند که بزبان های مختلف ترجمه شده بر MTA انترنیشنل زنده پخش شد.

حضور پر نور فرمودند که امروز من اصحاب بدر را ذکر خیر می کنم که اولین از آنها حضرت عبید بن زید انصاری است. وی از قبیله بنو عجلان تعلق داشتند. وی در غزوه بدر و احد شرکت کردند. صحابی دیگر حضرت زاهر بن حرام الاشجعی است، وی یکی از اصحاب بدری بودند و به قبیله الاشجع تعلق داشتند. وی با آنحضرت در غزوه بدر شرکت کردند. وی اهل روستا بودند و از روستای خود سوغات های روستای برای آنحضرت ﷺ می آورد. و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هم مال و اموال به او می دادند. و می فرمودند که زاهر دوست بادیه نشین ماست و ما دوست شهری اوییم. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم او را بسیار دوست داشتند. وی شکل و قیافهٔ معمولی داشت. روزی وی در بازار داشت چیزهای خود را میفروخت که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نزدش آمدند و از پشت وی را بغل کردند و در روایتی دیگر اینگونه هم آمده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از پشت روی چشمانش دست نهادند. وی آنحضرت را نمیدید لذا پرسید کیستی و رهایم کن اما زمانی که وی کمی به پشتش نگاه کرد. دید که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هستند که کمی به پشت خود نگاه کرد و متوجه شد که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هستند آنگاه کمر خود را با سینهٔ مبارک حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شروع به مالیدن کرد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از باب شوخی فرمودند: چه کسی خریدار این غلام است؟ حضرت زاهر عرض کرد: یا رسول الله، شما با خرید من، معاملهٔ زیانباری خواهید کرد، هیچ کسی مرا نمیخرد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند معاملهٔ تو نزد خدا زیانبار نیست یا فرمودند که نزد خدا تو بسیار

ارزشمندی. پس این افرادی بودند که فضیوض های عجیبی بدست آوردند . یکبار حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: ان لكل حاضرةً باديةً باديةً آل محمد زاهر ابن الحرام. یعنی هر فرد شهری با یکی روستایی میانهای دارد و آل محمد با زاهر بن حرام دهاتی میانه دارد.

صحابی دیگر حضرت زید بن خطاب است که برادر بزرگتر حضرت عمر بود و قبل از ایمان

آوردنش اسلام آورده بود. وی از مهاجرین ابتدایی بود و در غزوة بدر، احد، خندق حدیبیه و

بیعت رضوان به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضور داشت. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وی را برادر معان بن عدی قرار داده بودند و این هر دو صحابی در جنگ یمامه به شهادت رسیدند.

در خلال جنگ یمامه هنگامی که پاهای مسلمانان لغزید، حضرت زید بن خطاب به صدای بلند این دعا کرد که ای خدا، من به خاطر فرار کردن همراهان خود معذرت میخواهم و کاری که مسیلمه بن کذاب و محکم بن طفیل انجام داده، از آن بیزاری میجویم. سپس وی پرچم را به دست گرفت و وارد صفهای دشمن شد و شروع کرد به نشان دادن جوهر شمشیر خود و در اثنای همین کار به شهادت رسید. پس از شهادتش حضرت عمر گفت: خدا به زید رحم کند، برادرم در دو نیکی از من سبقت گرفته یعنی در راستای گرویدن به اسلام، وی قبل از من اسلام آورد و زودتر از من به شهادت هم رسید.

صحابی دیگر که ذکر خیرش میشود، حضرت عباد بن خشخاش هستند. وی بی قبیله بلیع تعلق داشتند و برادر عمو زاده حضرت مجزر بن زیاد بود و از طرف مادرش هم برادر بود. وی حلیف بنو سالم بود . حضرت عباد بن خشخاش در غزوه بدر شرکت نمودند و قیس بن صائب را اسیر کردند. حضرت عباد بن خشخاش روز احد بی شهادت رسیدند. و ایشان را با حضرت نعمان بن مالک و حضرت مجزر بن زیاد در یک قبر دفن شد.

صحابی دیگر که ذکر خیرش میشود، حضرت عبدالله بن جد است. نام پدرش جد بن قیس بود. کنیه اش ابووهب بود و به قبیله بنوسلمه تعلق داشت که یکی از قبایل انصار بود. حضرت معاذ بن جبل از طرف مادر، برادرش بود. حضرت عبدالله بن جد در غزوه بدر و غزوه احد، شرکت کرد.

صحابی دیگر که احوالش ذکر میشود، حضرت حارث بن اوس بن معاذ است. وی برادرزاده سردار قبیله اوس، حضرت سعد بن معاذ بود. در غزوه بدر و احد شرکت کرد. درباره او گفته میشود که در بیست و هشت سالگی در غزوه احد به شهادت رسید اما از بعضی روایات دیگر معلوم می شود که وی در غزوه احد شهید نشده بود. درباره حضرت حارث تعریف میشود که وی از آن افرادی بود که کعب بن اشرف را به قتل رسانده بودند. کعب بن اشرف آن فردی بود که از سرداران مدینه بود و در هنگام نوشتن شدن پیمان نامه آن حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضور داشت اما سپس وی تلاش کرد که فتنهای ایجاد کند لذا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دستور قتلش را صادر فرمودند. اما به لحاظ اخلاقی بسیار پست بود. در توطئه چینی و فتنه جویی بسیار مهارت داشت. زمانی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه مهاجرت نمودند و با یهود پیماننامه بستند، آنگاه کعب بن اشرف نیز در آنجا به همراه یهود دیگر حضور داشت.

کعب بن اشرف در آن پیماننامه شرکت کرده بود که مبنی بر دوستی و برقراری امن و امنیت و دفاع مشترک بود اما در درون کعب بن اشرف در خفا آتش بغض و کینه برافروخته شده بود. اگرچه وی در پیماننامه شرکت کرد اما فکر خیانت در سر می پرورید، نفاق و عداوت و کینه داشت و در آتش آن میسوخت. به سبب این کینه و عداوت دست به توطئه چینی زد و مخالفت با اسلام و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را شروع کرد. وی نیز به مکه رفت و در آنجا باچرب زبانی و اشعار و سخنرانی های خود آتشی که در دلهای قریش روشن بود آن را علیه مسلمین تندتر کرد و سعی کرد آنها را بیشتر تحریک کند و در نتیجه در دلهایشان تشنگی ریختن خون مسلمانان را ایجاد کرد و سینه هایشان را پر از احساس انتقام

نمود. زمانی که به سبب تحریک کعب در احساسات و عواطف کفار مکه مثل برق تندی ایجاد شد وی آنها را به حیاط خانه کعبه برد و پرده های کعبه را به دستشان داد و از آنان سوگند گرفت که مادامی که اسلام و موسس اسلام را از دنیا نابود نکنند استراحت نکنند. میگویند که در اثر این سخنان در مکه اوضاع مثل جوشیدن آتش فشان گشت. سپس وی به طرف قبایل دیگر میرفت و در هر ملت و قبیله مردم را علیه مسلمانان تحریک میکرد و درباره زنان مسلمانان نیز تشبیب میسرود یعنی در اشعار تحریک آمیز، زنان مسلمان را در کلمات بسیار زشت و وقیح یاد کرد حتی که زنان خاندان نبوت را نیز هدف این اشعار اوباشانه خود قرار داد و آنها را بسیار منتشر کرد. سرانجام وی در این توطئه چینی به منتها رسید و توطئه قتل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را هم کرد زمانی که وضع کارهایش به این حد رسید و جرم پیمان شکنی، بغاوت، تحریک جنگ، فتنه جویی، فحاشی، توطئه قتل به اثبات رسید آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به عنوان حاکم مدینه دستور دادند که کعب بن اشرف به دلیل جرمهای خود واجب القتل است. چون در آن زمان به سبب فتنه جویی کعب در مدینه اوضاع اینگونه شده بود که اگر آنحضرت دستور قتلش را علنی میدادند و به قتل میرساندند خطری وجود داشت که جنگ داخلی شروع شود و خدا میداند که آنگاه چقدر خون ریخته میشد لذا آنحضرت جهت جلوگیری از جنگ داخلی و کشت و خون و فتنه و فساد این تصمیم گرفتند که وی مخفیانه کشته شود و به این خاطر این مسئولیت را به صحابی مخلص از قبیله اوس، محمد بن مسلمه سپردند.

حضور پر نور فرموند که خداوند متعال اسلام را همیشه از فتنه ها مصون بدارد. امروز نیز وضع مسلمانان همین گونه است و آنان به جای این که از تاریخ گذشته خود درس بگیرند، درگیر فتنه هایند و خودشان سبب فتنه هایند هم در کشورها فتنه ایجاد میکنند و هم دولت های اسلامی باعث ایجاد فتنه اند. خداوند متعال اسلام را از این فتنه ها مصون بدارد و به مسلمانان توفیق دهد که به آن هادیای ایمان بیاورند که از طرف او برای احیای اسلام آمده است.